

چگونه تلاش آمریکابرای ایده خاورمیانه جدید شکست خورد؟

تعبیر وارونه رویای آمریکایی

خاورمیانه جدید، خواب جدیدی بود که آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۶ برای منطقه غرب آسیا دیدند. تجاوز نظامی اسرائیل به جنوب لبنان، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی برای ساخت خاورمیانه جدید و تغییر مرزهای جغرافیایی غرب آسیا بود؛ کاندولیزا رایس، وزیر وقت خارجه آمریکا در همان روزها برای حمایت از اقدامات اسرائیل در تل‌آویو حاضر شد و حرف از ضرورت تحمل «درد زایمان تولد خاورمیانه جدید» به میان آورد. رایس در همان جلسه می‌گفت: ما هر کاری می‌کنیم باید مطمئن باشیم که فشاری به سمت یک خاورمیانه جدید باشد نه بازگشت به خاورمیانه قدیم؛ پیش از او هم رالف پیترز (سرهنگ بازنشسته آکادمی ملی جنگ آمریکا) در مقاله‌ای با عنوان «مرزهای خونین» که در سال ۲۰۰۶ در مجله نیروهای مسلح این کشور منتشر شد، نقشه جدیدی از مرزها در غرب آسیا را با عنوان خاورمیانه جدید ارائه کرد و تغییرات سخت در این منطقه را دردهای ضروری مردم برای رسیدن به صلح و آرامش عنوان کرد!

حزب‌ا... و ضربه کاری به طرح آمریکایی خاورمیانه جدید

اما خواب شیرینی که آمریکایی‌ها برای منطقه غرب آسیا دیده بودند، هیچ‌گاه تحقق پیدا نکرد؛ طرح خاورمیانه آمریکایی در همان گام اول یک ضربه کاری از هسته‌های مقاومت دریافت کرد. در جنگ ۳۳ روزه برخلاف انتظار آمریکایی، حزب‌ا... با استقامت و مجاهدت پیروز میدان شد؛ «آنها خواستند «حزب‌ا...» را نابود کنند. در نقشه جدیدی که داشتند، یکی از اهداف‌شان این بود: نابودی حزب‌ا... بعد از جنگ ۳۳ روزه، حزب‌ا... ۱۰ برابر قوی‌تر شد. حالا من که می‌گویم ۱۰ برابر، چون احتیاط می‌کنم ولی بیش از اینها قوی‌تر شد.» ۱۴۰۲/۹/۸

شکست‌های دومینووار آمریکا در عراق و سوریه

یکی دیگر از قطعات جورچین «طرح خاورمیانه آمریکایی» دست‌اندازی و تصرف عراق بود که در قالب دیگری پیگیری می‌شد اما تنها شکست‌های دومینووار و پی‌درپی را برای آمریکایی‌ها به ارمغان آورد؛ مقاومت و مردم عراق هیچ‌کدام از گماشته‌های آمریکایی‌ها را در عراق تحمل نکردند، جی گارنر، ژنرال بازنشسته آمریکا و مسئول بازسازی عراق، پل برمر دیپلمات آمریکایی و غازی مشعل عجیل الیاور سیاستمدار وابسته عراقی هیچ‌کدام نتوانستند نقشه آمریکا را در عراق اجرایی کنند تا جایی‌که امروز، هسته‌های مقاومت عراقی به یکی از کلیدی‌ترین نقش‌آفرینان محور مقاومت تبدیل شده‌اند. آمریکایی‌ها پس از شکست در لبنان و عراق، این بار شانس خود را در سوریه امتحان کردند؛ «آنها می‌خواستند سوریه را قبضه کنند، عوامل نیابتی خودشان را به اسم «داعش» و «جبهه‌النصره» و از این حرف‌ها انداختند به جان دولت سوریه، حدود ۱۰ سال هم مدام تزریق کردند، پشتیبانی کردند، پول دادند، امکانات دادند، نشد.» ۱۴۰۲/۹/۸

طوفان‌الاقصی، حقیقت پنهان تمدن غرب را آشکار کرد

زنده‌ترین نمونه برای شکست سیاست‌های آمریکایی در منطقه هم طوفان عظیمی است که از حدود دو ماه پیش توسط گروه‌های مقاومت در سرزمین‌های اشغالی به‌پا شده و شکست اطلاعاتی و نظامی سنگین برای رژیم صهیونیستی به همراه داشته است.

طوفان‌الاقصی نقشه منحوس آمریکا و اسرائیل برای محو نام فلسطین از روی نقشه را به‌طور کامل دچار شکست کرد؛ البته علاوه بر دستاوردهای نظامی، اطلاعاتی و شکسته شدن هیمنه پوشالی رژیم غاصب، بمباران وحشیانه و نسل‌کشی اسرائیلی‌ها پس از شکست مفتضحانه، حقیقت تمدن غربی را نیز در مقابل وجدان‌های بیدار جهان به نمایش گذاشت. نسل‌کشی بیش از ۱۵ هزار نفر که ۵۰۰۰ نفر از شهدا کودک هستند، علاوه بر آبروی رژیم صهیونیستی، آبروی نداشته حامیان آمریکایی و اروپایی این رژیم را هم بر باد داد.

«فرهنگ غرب و تمدن غرب همان تمدنی است که وقتی با بمب فسفری می‌زنند و ۵۰۰۰ کودک را شهید می‌کنند، رئیس فلان کشور می‌ایستد می‌گوید که اسرائیل دارد از خودش دفاع می‌کند! این دفاع از خود است؟ فرهنگ غرب این است؛ در این قضیه فرهنگ غرب بی‌آبرو شد.» ۱۴۰۲/۹/۸

جنایت‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی گرچه در تاریخ نمونه ندارد اما صبر انقلابی مردم غزه و مقاومت دلیرمردان حماس، به مردم منطقه و جهان درس ایستادگی و مقاومت در برابر گردن‌کشی‌های آمریکا داده است. امروز حماسه حماس گفتمان تسلیم و ذلت‌پذیری را به چالش کشیده است و از این‌رو مردم آزاده جهان را در بیش از ۶۰ کشور دنیا به خیابان کشانده و شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل را طنین‌انداز کرده است.

دموکراسی خوب، دموکراسی بد!

اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در مسأله فلسطین حتی نسبت به پرتکرارترین شعار غرب هم پایبند نیستند. برای آنها دموکراسی تا زمانی خوب است که منافع سردمداران نظام سرمایه‌داری را در نقاط مختلف دنیا تأمین کند اما اگر همه‌پرسی سبب از میان رفتن همین منافع در سرزمین‌های اشغالی شود، دموکراسی را به کناری می‌اندازند و دست به اسلحه و موشک شده و به جان مردم، کودکان و زنان بی‌دفاع می‌افتند اما این مسأله را چگونه می‌توان حل کرد؟ «ما طرح‌مان را مطرح کرده‌ایم: طرح همه‌پرسی از فلسطینی‌ها. البته آنهایی که اشغالگرند حقی ندارند اما خود فلسطینی‌ها، چه در سرزمین فلسطین، چه در کشورهای همسایه فلسطین داخل اردوگاه‌ها، چه در جاهای دیگر، هرجا هستند ـ چندین میلیون فلسطینی هستند ـ اینها می‌توانند نظر بدهند. [همه‌پرسی] یک منطق دنیاپسند و قابل قبول و متمدنانه برای اداره فلسطین است.» ۱۴۰۲/۹/۸

درنگ

همه‌پرسی فلسطینیان، میخ آخر بر تابوت خاورمیانه آمریکایی

گرچه هم اکنون هم کشتی خاورمیانه جدید در سواحل غرب آسیا به گل نشسته اما اجرایی شدن طرح همه‌پرسی از فلسطینیان می‌تواند به‌مثابه کوبیدن آخرین میخ بر تابوت رژیم صهیونیستی و طرح آمریکایی خاورمیانه جدید باشد؛ طرح همه‌پرسی، تجربه موفقی است که نمونه‌های مشابه آن به‌عنوان نمونه در آفریقای جنوبی سبب پایان یافتن آپارتاید و تبعیض نژادی شده است؛ برگزاری همه‌پرسی به‌شرط ادامه یافتن عزم راسخ هسته‌های گروه‌های مقاومت در فشار به رژیم صهیونیستی و تضعیف این غده سرطانی، در آینده نزدیک کاملا در دسترس است؛ بله جغرافیای سیاسی غرب آسیا در حال تغییر است اما به‌دست مقاومت. «حادثه طوفان‌الاقصی یک حادثه تاریخ‌ساز بود؛ توانست جدول سیاست‌های آمریکا در این منطقه را به‌هم بریزد و ان‌شاءا... [اگر] این طوفان ادامه پیدا بکند، جدول سیاست آمریکا در منطقه را محو خواهد کرد.» ۱۴۰۲/۹/۸

سخن آخر این‌که امروز به برکت پیشرفت تفکر بسیج و هسته‌های مقاومت و پیروزی‌های پی‌درپی جبهه مقاومت، دوگانه‌های جعلی و تحمیلی دست‌ساز دشمن همچون عرب و غیرعرب، شیعه و سنی به‌هم ریخته و دوگانه جدید مقاومت و تسلیم بر منطقه حاکم شده است. از همین‌رو است که طرح‌هایی همچون خاورمیانه جدید و معامله قرن به تاریخ پیوسته و نشانه‌های آشکار از شدت گرفتن آمریکازدایی در منطقه غرب آسیا نمایان شده است.

گزارش

مقاومت چگونه اسرائیل را آچمز کرد؟

پیروزی خالص حماس

همزمان با دور جدید حملات و جنایات صهیونیست‌ها در غزه پایگاه ای‌بی‌سی آمریکا به نقل از تحلیلگران مسائل امنیتی برقراری آتش‌بس اخیر در غزه، را «پیروزی خالص برای حماس» توصیف کرده است. وبسایت ای‌بی‌سی نوشته: تا قبل از آتش‌بس مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی هر دو تأکید می‌کردند از وقفه در جنگ حمایت می‌کنند و نه برقراری آتش‌بس عمومی، چراکه به باور آنها آتش‌بس می‌توانست به نفع حماس باشد. با وجود این، تمدید وقفه‌های کوتاه‌مدت در جنگ غزه موجب شد عملا به مدت یک هفته آتش‌بس برقرار شود.

میک مالروی، معاون سابق مشاور وزیر دفاع آمریکا در خاورمیانه به ای‌بی‌سی گفت آتش‌بس یک هفته‌ای برای حماس چه از نظر نظامی و چه از نظر سیاسی، پیروزی خالص بوده است. او گفت: به نظر من اسرائیل می‌دانست این اتفاق خواهد افتاد اما برگرداندن گروگان‌ها برای‌شان ارزش داشت. جمع‌بندی مالروی و دیگر تحلیلگران مسائل امنیتی که با ای‌بی‌سی گفت‌وگو کرده‌اند این است که حماس احتمالا از آتش‌بس موقت برای تجدید قوا، تقویت تسلیحاتی و تغییر جایگاه نیروهایش در غزه استفاده کرده است.

ای‌بی‌سی نوشته با آن‌که ارتش اسرائیل اقدام به تخریب ساختمان‌های زیادی در شمال غزه کرده اما هنوز مشخص نیست چه مقدار از زیرساخت‌های نظامی حماس تخریب شده‌اند. رابرت آبرامز با تأیید این دیدگاه تصریح کرده است: هر چه آتش‌بس بیشتر طول می‌کشید، حماس فرصت تقویت تسلیحاتی، تأمل دوباره و تجدید قوای بیشتری می داشت. روز جمعه در پنجاه و ششمین روز از آغاز تجاوز صهیونیست‌ها به نوار غزه، رژیم صهیونیستی پس از آتش‌بسی که یک هفته به طول انجامید، حملات خود را به این منطقه از سر گرفت. چند روز قبل‌تر هفتمین مرحله از تبادل اسرا بین حماس و رژیم صهیونیستی صورت گرفت که در جریان آن، صهیونیست‌ها ۳۰ فلسطینی را آزاد کردند و هشت اسرائیلی هم آزاد شدند. وزارت بهداشت غزه خبر داد در جریان حملات روز جمعه رژیم صهیونیستی، ۱۷۸ نفر شهید و ۵۸۹ نفر نیز زخمی شده‌اند.

اسامه حمدان از رهبران جنبش حماس تأکید کرد رژیم صهیونیستی، آغازگر تجاوز بوده و حماس فقط به این تجاوز پاسخ داده است. حمدان با بیان این‌که صهیونیست‌ها روز گذشته با درخواست آزادی ۱۰ سرباز زن که اسیر بودند، عمدا واسطه‌ها را گمراه کردند، گفت: سیاست اسرائیل در دروغگویی از زمان آغاز حملات ادامه دارد و آمریکایی‌ها نیز روایت آنان را تأیید می‌کنند.



افول صنایع نظامی آمریکا تعبیر کابوس کاخ سفید



پنتاگون در گزارشی هشدار داد صنایع نظامی آمریکا توانایی خود برای رفع نیاز ارتش این کشور را از دست داده است. نشریه آمریکایی «پالتیکو» با استناد به پیش نویس یک گزارش که برای نخستین بار قرار است از سوی پنتاگون منتشر شود فاش کرد، صنایع نظامی آمریکا ظرفیت و سرعت لازم برای رفع کامل مطالبات ارتش و برتری بر رقیبان همچون چین در رقابت بر سر تسلیحات پیشرفته را از دست داده‌اند. در پیش نویس این گزارش آمده است، آمریکا قادر به ساخت تسلیحاتش با سرعت کافی نبوده و دچار عدم تعادل بین کیفیت و سرعت شده و این امر «ریسک استراتژیک فزاینده‌ای را به وجود آورده است.» طبق این گزارش موسوم به سند «استراتژی صنعتی دفاع ملی» آمریکا، این ریسک استراتژیک در حالی ایجاد شده که واشنگتن نیازمند حمایت از عملیات‌های جنگی جاری خود «در ضمن بازدارندگی علیه تهدید نوظهور بزرگ‌تر، به لحاظ فنی پیشرفته‌تر و شتابان‌تر در حوزه اقیانوس هند-اقیانوس آرام است.» موضوع این سند که قرار است در هفته‌های آینده توسط ویلیام لاپلانت، مسئول بخش لجستیک پنتاگون منتشر شود، بررسی جامع نیاز پنتاگون به استفاده از دانش کارشناسی شرکت‌های فناوری کوچک در ضمن تامین و حمایت شرکت‌های سنتی برای توسعه سریع‌تر فناوری جدید است. پالتیکو نوشت که در این گزارش ذکر شده است: «صنایع نظامی آمریکا ظرفیت، توانمندی، پاسخگویی یا انعطاف پذیری لازم برای برآورده ساختن طیف کامل نیازها در زمینه تولیدات نظامی در ابعاد و سرعت مناسب را ندارند.»

در این سند تصریح شد، چین در ۳۰ سال گذشته تبدیل به یک مرکز جهانی برای تولید شناورهای نیروی دریایی، دانش معدنکاری و میکروالکترونیک شده و هم اکنون ظرفیت صنایع چین «به میزان گسترده‌ای نه فقط از ظرفیت آمریکا بلکه از مجموع ظرفیت بازدهی متحدان اروپایی و آسیایی مهم واشنگتن نیز فراتر رفته است.» این در حالی است که آمریکا دارای بزرگ‌ترین بودجه نظامی جهان بوده و در سال ۲۰۲۲ این بودجه حدود ۴۰ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهانی را به خود اختصاص داده و از بودجه نظامی چین چند برابر بیشتر است.

نتانیاهو، از طولانی شدن جنگ سود می‌برد؟

منصور براتی
کارشناس مسائل فلسطین

اسرائیل بمباران غزه را دوباره آغاز کرده و نظامیان رژیم صهیونیستی این روزها وارد جنوب غزه نیز شده‌اند. لازم به یادآوری است که اسرائیل به اهدافی که برای خود مشخص کرده بود مانند نابودی حماس، تصرف کامل شمال غزه و آزادسازی اسرا تاکنون دست پیدا نکرده است. به همین دلیل رژیم صهیونیستی جنگ را دوباره از سر گرفته تا بتواند دستاوردی برای خود ایجاد کند. در واقع اسرائیل هنوز نتوانسته شمال غزه را به شکل کامل به تصرف خود دربیاورد؛ به همین دلیل ناچار به ادامه دادن جنگ است و در چند روز اخیر نظامیان اسرائیل وارد جنوب غزه نیز شده‌اند و تلاش می‌کنند در مناطقی مانند خان‌یونس پیشروی کنند. درباره دلایل این رویکرد نیز می‌توان گفت، مناطقی مانند التوام، جبالیا، بیت‌لاهیا و بیت‌حانون در شمال غزه به‌شدت در برابر پیشروی ارتش رژیم صهیونیستی مقاومت کرده‌اند و اسرائیل برای این‌که میزان مقاومت را در این مناطق کاهش دهد، تمرکز خود را روی برخی مناطق تغییر داده و در چند منطقه وارد عمل شده تا بتواند فشار بیشتری به نیروهای مقاومت وارد کند. علاوه بر این اسرائیلی‌ها درصدد هستند که در کنار تکمیل محدوده شمالی در مناطق جنوبی و در امتداد مرز اسرائیل و غزه یک ناحیه حائل نیز ایجاد کنند تا به این شکل دسترسی نیروهای فلسطینی به محدوده مرز اسرائیل از بین برود. درباره ادامه یافتن جنگ در غزه نیز می‌توان گفت تاکنون جنگ در این منطقه طولانی شده است و چنانچه به جنگ‌های گذشته اسرائیل نیز نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که اسرائیل در بیشتر مواقع تلاش کرده است که در جنگ‌ها به شکل ضربتی عمل کند. برای نمونه جنگ شش روزه ۱۹۶۷، جنگ ۱۹۵۶ و حتی جنگ یوم‌کیپور ۱۹۷۳ نیز حدود ۲۰ روز طول کشید. به همین دلیل اسرائیل تلاش می‌کند جنگ‌ها را سریع تمام کند. اما جنگ اخیر تاکنون حدود دو ماه زمان برده است. به این شکل این جنگ را باید جنگی طولانی و فرسایشی محسوب کرد که با گذر زمان، فرسایشی‌تر نیز می‌شود و البته به نوعی می‌توان آن را شبیه جنگ روسیه و اوکراین نیز دانست، زیرا استراتژیست‌های نظامی روسیه نیز تصور می‌کردند که جنگ با شکست اوکراین خیلی زود به پایان می‌رسد اما این جنگ بیش از یک سال است که ادامه دارد. در واقع در مورد غزه نیز شرایط مشابه است و رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد که در مدت حدود دو ماه منطقه شمالی غزه را تصرف خواهد کرد اما این اتفاق تاکنون نیفتاده و باید آن را دستاوردی برای گروه مقاومت محسوب کرد.